

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

میر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ فران
سایر بلاد داخله ۳۵ فران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكسد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است



شبه ۲ جمادى الاخرى ۱۳۲۵ هجرى قمرى و ۲۳ تير ماه جلالى ۸۲۹ و ۱۳ ژويه ۱۹۰۷ ميلادى



کیست که بازار آشفته می خواهد

در دوره جهالت و حماقت که هر کس طالب
منافع شخصی و فوائد خصوصی بود يك مثلى میکنند
(شری واقع شود که خیر ما در او باشد) یعنی مثلا
يك مملکتی بر باد رود که ما صاحب ثروت شویم
ناموسها هدر شود که ما دارای خانه و لانه کردیم
له انکه تنها مترقب و مترصد وقوع چنین قضایا
بودند بلکه خود اسباب انرا کاملا فراهم مینمودند که
تاکنون بقایای آثار آن در دستگاه دولتیان باقی است .
فی المثل برای گرفتن ده هزار تومان پول که بیزیر
چنان اقتضاء میکرد که ایل قشقائی و بختیاری را
دستور دهند از اصفهان تا شیراز را غارت و بهمسا
کنند مال التجاره را چپاول نمایند و ضمنا لامحالہ چند
صد تن نفوس یکنه کشته شوند و دهات فریدن خراب
کردند تا حضرت اشرف ده هزار تومان حق السکوت
یا حق الحمايه بگیرد

مسلم است که در بلاد امن و اوضاع عدل و انجاء
افراد ابواب مداخل مسدود میگردد و جیب و دامان خالی
میشود پس عقل با درایت باید همزه بازار را آشفته داره
و مابین افراد نفاق تولید کند و دولت و ملت را بیکدیگر
مشغول و سرگرم سازد و در ضمن مقاصد مقدسه را انجام
دهد و خر خود را از بل ره کند حالا این کار نتیجه خیر
دارد یا شر هر چه با داباد — حکماء فن استبداد فرموده اند
رنهار زنهار نگذارید اهل يك مملکت و يك شهر و يك محله
و يك خانه با هم دوست شوند که عاقبتی بس وخیم و ناگوار دارد
پیران ما از قدیم متولئات چند بعد از تفکرات زیاد پیدا کرده

و برای اخلاق خود بیاد کار گذارد. اندک ندی الحاجه در بین
جماعت افکنده و سیله القاء شقاق سازند آذربایجانى و عراقى
و فارس و ترک ، عرب و عجم حیدری و نعمتی و شرع
عرف را حسن تدابیر ان نفوس زکیه وضع فرموده اند تا
در بناء اینکلمات نان خود را بروغن اندازند و مرغ
بریان و جوجه فسنجان همه شب در خوان داشته باشند
مهندس کامل و استاد ماهر که طراحی عمارت
استبداد را ریخته چهار پایه محکم برای زدن سقف
استبداد بنا نهاده و بشا گردان زیرک خود وصیت کرده
است که مبادا بگذارید رخنه بیکی از این چهار ستون وارد
آید بمحض انکه او را متزلزل دیدید بی درنگ با کمال
عجله استوار کنید تا سقف بحال خود بماند و مشرف
بر انهدام نگردد (۱) فساد اخلاق تاز بر بارانزل و اوانی
روند و تمکین از هر پیشرفی پست فطرت نمایند و در
بی استعلاء و شرف بر نیایند تا اگر مصالحت مقتضی شد
مہتری را بر جمعی از آنها حکمران و مالک الرقاب سازید
بر آنان گران نیاید و گردن از اطاعتش نکشند و چنان
طبعشانرا لثیم سازید که برای اندک و جیبی از ناموس
و عرض دست بردارند البته مقرر است از زمان طفولیت
آنانرا با خلاق قبیحه و حرکات رزیه معناد نمایند تا چون
بزرگ شوند ملکه قباح و مجسمه فضاحت گردند مخصوصا
درست قولی و پای بندی بقول را حتما از آنها دور کنید
رعیت استبداد باید دروغ گو و دورو و ابن الوقت باشد
و شرفی از برای کلام و حرف خود قرار ندهد قسم دروغ
بخورد عهد را بشکند تمامی را شعار سازد چابک و
متملق باشد و طبیعتش بسر کشی عادت نکند
(۲) ترس و خوف است از کوچکی آثارا برسانید

ووزانه بضر بچوب و فحش و لدی الانتضاء گوش
بریدن و مهار کردن و سر بریدن و بردار زدن را
ترك نکنید مردم را در حالت جنین دائمی نگاه ندارید و
اگر بتوانید پدران را بقسمی خوفناک سازید که نطفه
اولادشان از خوف و خشیت بسته شود — احتیاطا چون
را هر روز بزیند و بهانه زیاد همواره بفرشید و هر کس
را دیدید بی تخاصی زیر چماق بیندازید و از جریمه
گرفتن کوتاهی نکنید و خود را در انتظار طوری مهیب جلوه دهید
که احدی را جرئت ایستادن در حضورتان نباعد و چون
يك محترمی را احضار کنید بر خود بلرزد و مباحثی
برای معافی داشتن از حضور حکمران تقدیم کند -
کلهای مردم را از ترس آکنده کنید و دلها را از جن
آب نمائید تا خیال مخالفت را در خزانه خاطر هم
جرئت راه دادن نکنند آریا اگر کسی قیام کرد و مطالبه
حقوق نمود طوری در خك و خونس بکشید که عبرت
عامه گردد — رعایا نباید خواب راحت کنند که اسباب
خیلی مفاسد میشود گاهی شب بجهت در خاتما بریزید
در و پنجره بشکنید دستان صاحب خانه را از پشت بسته
و کشان کشان بمحل زجر و شکنجه برید — نکته که نباید
از نظر فراموش شود آنستکه بی تقصیر ادا سنگیر کردن
حتمی است زیرا که اگر تنها مقصر را بگیرد آنکس
که قدم بر آستی بر میدارد و از اعمال خود مطمئن است
شب آسوده خواهد غنود و مقصود کاملا بعمل نخواهد
آمد سفارش اکید است که بعضی عقوبات و سیاست
اختراع کنید که دل شیر را آب و جگر فلک را کباب
کند زن آستن از شنیدنش بچه اندازه ورستم زالمی را
پشت بلرز دینید گذشته کن چسان بخوبی از عهده این خدمت
برآمده و پایه کار خود را استوار نموده اند افراسیاب
چنان سلوک نموده که فردوسی در حقیق میگوید

(شود کوه آهن چه دریای آب)

(اگر بشنود نام افراسیاب)

اطراف سر مردم را خمیر گرفته و روغرا در حالت غلیان
بر فرشان بریزند که بعد ها سرشان از مازو بزرك تر
نکردد ا ديك آب جوش را هم مقبره بعضیها ساختن در
شریعت استبداد مستحب مؤکد بلکه قریب بواجب است
بضر فتر چون کرباس پاره کردن نیز از اختراعات
مردمان هوشیار است ا هیچ حکومتی را بی جلاد روانه
نسازی که حرمت غلیظه دارد ا سیاه چال هر چه تاریک
تر و کثیف تر و زنجیر هر قدر سنگین تر باشد ا قرب بصواب
است و سردار انخم را مباشر این امور ساختن فریضه
حقلی است چه کار را بکارگردان باید سپرد سر بریدن گروپ
(دسته جمعی) خالی از لطافت نیست و عکس بر داشتن

واجب فوری است و زیند اطاق ساختن اسباب تفریح
خوبی است ا

(۳) آنکه پیش گفتیم یعنی نفاق افکندن و از
دوستی باهم مانع شدن و در کتب سلف این بار و را
خواص زیاد نوشته اند و فوائد بزرك در حقیق قائل شده اند
حتی آنکه گفته اند میتواند يك ملت بزرك را محو سازد
و مملکت و سیمی را خراب نماید هوش فطری را در اینجا
بکار باید برد و زرنگی را در این نوع بخرج داد سوابق
ایام کسانی بودند که باند داشتن اسباب و نبودن تلیفون و
پست و تلگراف در یکم فته صفحه يك خاکمی را چنان بوسیله افکندن
نفاق مفشوش میکردند که بسالیانی دراز اصلاحش ممکن نبود
واضح است که حلیه با این اسباب جمع در عرض چند ساعت باید
کرد — در مقبره ضحك لوحی یافته اند که بران لوحه بخط
کدانی این سه سطر را با آب طلا نوشته اند :

« اگر خواهی رعیت آرام و مملکت منظم باشد
قتل عام کن »

« نوکر مطیع حرف شنورا از طبقه نانجیبسان
استخاب نما »

« راحت ظالم در القاء نفاق است »

عمر و بن العاص پسرش را وصیت میکند ((یانی لاسیب
احد من التقق ، ولا تجاره اربح من الاغاره ، ولا كلام
اماح من التهمه)) ای پسرک من هیچ شمشیری بزنده
تر از نفاق نیست و هیچ تجارتمی با نفع تر از چاپیدن
یا فت نشود و هیچ سخن از تهمت شیرینتر نیست
فیلسوف تازه شیخ صرنا گوید : بعد از سی سال
دور کوچها دودن و طول و عرض خیابانها را
بیمودن در دکان این وان لشتن و عمری بسختی گذرانیدن
در آخر بتجربه مرا معلوم شد که غلبه بر خصم در
اتهام است و احترام نزد خلق بواسطه مسخرگی و
پیشرفت کار در افکندن نفاق

(۴) که رکن رکن و اصل اصیل است چشم

و گوش خلق را بستن و در بیابان جهل سرگردان
نمودن چه سعادت مند است حا کمی که زیر دستانش نادان
باشند و چه بد بخت است رئیسیکه تاین هایش کاروان
کردند ایجاد دبستان آلت حرمان است تالیس مکاتب
تولید هزار معایب کند — فتوای شریع قاضی است -
هر کس تحصیل حقوق کند ده سال حبس دارد
و هر که فلسفه بخواند واجب القتل است ، در کتاب (عراج
الاستیاد) مرقوم شده : مدارس را خراب کردن در
حکم جهاد اکبر است ، مطبوعات را توقیف نمودن
صواب هزار حج و عمره دارد ، جرائد را سوزانیدن
فرض عین است ، کتب عامی را جز در کاخ حمام مصرقی

دیگر رسانیدن گناه کبیره است . و نیز در فصل ولایت از کتاب فوق نوشته شده : هر ولی که طفل را در کوچ و برزن فرستد تا فحش و دشنام و کلمات رکبت و حرکات قبیح فرا گیرد مستحق رحمت است و تکالیف ولایت عمل کرده و هر پدر که پسرش را بی تحصیل کمال فرستد معصیتی بزرگ کرده که از کوه ابوقیس بزرگتر است و بهیچ وجه قابل عفو نیست — خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را با تبتاد تربیت کند و نیامرزد کسی را که طفاش را عداک خود و مشروطه طلب نماید —

او شیون از کمب الاحبار روایت نموده که گفت شنیدم از ماویه که میگفت هر وقت مسلمانان عالم شوند و تکالیف شرعی خود را بدانند آنروز روز مرگ بنی امیه است پس بر ما است که مردم را حتی المقهور کور و کور سازیم و از دانش و معرفت احکام الهی بی نصیب نماییم — از سخنان بزرگوار است : غلبه نکردم بر حسین ابن علی مگر از برکت پیشه‌وری خاق و جهالت ملت . دستوریست که چند سال قبل یکی از وزراء کار دان بار باب مدارس نوشته و صورتش در کابینه استبداد ضبط شده است :

حدوث یکواکه فوق‌العاده که در حکم خارق عادت است یک بدبختی بزرگی را بطرفی ماجلب کرد تا رفتیم ملت بشویم چندین مدرسه باز شد فعلا بستن آنها تا چند وقتی مشکل است خصوص بانکه بعضی روحانیین هم خود را در این کار داخل کرده‌اند عجالتا این چند ساده قانون را عاجلا مجری دارید و مسامحه نکنید

(۱) معلم عالم گردان با سواد را هرگز بدمرسه راندهید

(۲) حتی الامکان شهریه اجزاء مدارس راندهید

(۳) سفارش کنید اطفال را درست درس ندهند

(۴) صورتا مدارس دائر بود لکن بی اثر و نتیجه نمائید

(۵) بیانه ورود ضرر ایجاد مدارس را بعد از این مانع شوید و اینها را که اکنون دائر است بتدریج منسوخ نمائید

(۶) قدغن کنید اطفال با هم صحبت نکنند و حتی الامکان

ببین آنها نفاق یابند ازید تا با اتحاد متاد نشوند

از اصل مقصود دور افتادیم و مترضه عثمان را از دست ما بدربرد دشمنان امروز بازار را آشفته میسازند و مردم را بر جان یکدیگر میاندازند و در میان دوسک آرد میگیرند طوری مرا ببت جخرج میدهند که نکته از آنها فوت نمیشود و وقت و فرصت را تلف نمیکنند بلی تاجر باید مترصد حکم باشد و بعضی آنکه مناسب دیدمتاع خود را گران نمایند تخصیص بدشمن ندارد دوست نیز همچنین

است مگر کمپانی راه آهن حضرت عبدالمظلم روسی نیست مگر روسها با ما دوست جانی نیستند و نسبت بما از سر و جان میکزرنند لکن وقت را حالیه غنیمت شمرده در این انقلاب و احتلال اوضاع و کرفقاری مجلس و اغتشاشد خله که کسی مجال بحث و ایراد ندارد قیمت بلیط راه را زیاد کرده و اعلان داده است که از چهارم ماه جمادی التایه درجه اول سی شاهی و درجه دوم یک قران خواهد بود

چون مقاله مفصل شده و اسباب صداع میگردد نمیتوام در این فتره شرح و بسطی بدهم همین قدر خدمت و کلاء محترم عرض میکنم البته بخاطر دارید زمان صدارت عین الدوله کمپانی باین خیال افتاد و اعلانی منتشر کرد عین الدوله در نهایت سختی مقاومت کرد و جدأ مانع شد از آن کوتاهی در اینباب فرمائید شاید مردم این شعر را بخوانند و کوشه بزنند

(رقیب دور تو کردید . . .)

(راپورت حضرت عبدالمظلم)

روز جمعه ۲۳ اینماه این بنده میرزا صادق پسر حاج محمد رحیم تاهباز با آقا میرزا احمد برادر جناب حاج میرزا حسن آقا تاجر طهرانی بقصد زیارت حضرت عبدالمظلم بدان عتبه عالیہ مشرف شدیم

سه ساعت بفریب مانده بود از جانب حرم محترم بطرفی کار میامدیم گفتند منزل جناب شیخ فضل الله روضه است این بند گانهم بتصویب واقعت مسئله و ذکر مصیبت رفتیم وارد صحن حیاط شده مجلس بود روضه خوانی بر منبر و جماعتی منتع ما هم نشستیم قدریکه بصحبت روضه خوان گوش دادیم عنوان ذکر مصیبت نبود مباحثی چند در اغوای مردم و هیجان آنها برضد و کلاء و ملت بود که همه را بای ودهری صوفی معرفی مینمود و مات را گمراه اظهار میدادند ما که این صحبت را شنیدیم امرأ برخواستیم که از مجلس خارج شویم همینکه نزدیک درب باغ رسیدیم از مجلس صدی بگیرید بگیرید بلند شد و چند نفر آمدند در دالان جلو ما را گرفتند و یک نفر بارو لور گریبان مرا گرفت و دیگری دست درجیب و بفل من میکرد و میگفت تو بقرآن بد گفته هر چه من بترا میگفتم مرا میکشیدند بطرفی حیاط عاقبت شخصی موسوم به یوزباشی صفر آمد دست آن شخصی که رولور داهت گرفت که مرا ترند و دیگران جیب و بفل مرا خالی میکردند تا آنچه داشتم بیرون آوردند که عبارت بود از یک کیف جای پول محتوی بر چهل و دو تومان اسکناس و دو عدد پنج هزاری دو تومان و پنج هزار پول سفید و یکقوطی سیگارت قره که دوازه تومان قیمت داشت

و يك دستمال ابریشمی و يك نمره ۵۹ روز نامه
جبل المتین وقتی که اسباب جیب مرا خالی کرد
یوز باشی صدر که اینطور مظلومیت ما را ملاحظه نمود
جمعیت را متفرق ساخت و ما را اخلاص کرده بیرون آورد
و اینک لازم دانست محض اطلاع عموم برادران
وطنی و ایسانی اینمطلب را اعلان نمائیم که هم بدانند
حمایت اسلام و ترویج دین مبین را چه طور باید
کرد و طریق تقویت مذهب حنیف بچه وضع است
صادق رحیم اوف

﴿ عرضه داشت ﴾

عرض این کمیته خاك نزاد و تراب اقدام کاله عباد کوچه
هرمی از چهار راه عباس آباد خدمت عموم مسلمانان
غیرت مند آنکه سالهاست که این جان نثار در راه ملت
سر و سینه خود را در طریق عبور و مرور شما ها کسرت درام
و خدمت خود را کماینبی بجا آوردم الحال متظلمتعارض
حال خود را مینمایم که زشت سیرتی از بنات یعنی قطعه
از قطعات من از روی ناهنجاری طریق مخالفت پیموده
و از قید اطاعت من فراریده و بر سرده سینه کریس حضرت
مستطاب شریعتاب آقا سید حسن پیشنماز شوعتری طال
بقائه متحصن شده حضرت آقا نیز او را پناه داده و بر
سینه این کمیته داغ مفارقتش را نهاده اند و بواسطه
رفتن این قطعه مستبده دست و پام تنگ است و عابری
سبیل را بواسطه ضیق معبر و تگی ره گذر با این بیچاره
سر دعوا و جنگ استدعا از غیرتمندان و طن پرست
اینکه در راه اسلام و ملت همدستان و همدست گردیم
خدمت آقا توسط نموده فرزند مرا استرداد نمایند و دست
و پای من و عموم مسلمانان و عابری را بکشاید
(انضاء شارع)

(تلکرافات خارجه)

از لندن چنانچه مذکور شد شصت نفر از سربازان دولتی
از سرباز خانه ها خارج شده که بشورشیان شهر نریه
ملحق شوند ژنرال بابو و سر کرده فوج هو را دسته
پیاپی نظام دیگری فرستاده که آنها را برگردانند بدین
این دو دسته کار بشلیک هوائی کشید بالاخر سرباز یاعیه
را راضی کرده که بسرباز خانها و جای خودشان
مراجعت نمایند

مجلس ولای فارسه با کثرت آراء اعتماد خویش
و نسبت برویه دولت در مورد اغتشاش جنوب
اظہار نموده اند
صدر اعظم اجزا را مستحضر نمود که دولت کماکان
مصمم است که با قوه جبریه این امره فساد را خاموش و

این غائنه را رفع نماید مباحثات و مشاجرات بمیان
آمده و هیاهوی عظیمی بلند کردند جمعی بر ژنرال بابو
ایراه کردند که چرا سربازان یاعیه را در بزیه هدف
کلوله ساخته و بطرف هوا شلیک کرده اند

کلمانسوی صدر اعظم زبان بحمایت ژنرال مشار الیه
گشوده که مقصود اصلی را بدون تاخیرات نفوس حاصل کرده
ولی ژنرال دیگری که فرمانده پیاده نظام شهر ناربون بود
بعضی ملاحظاتی از منصب معزول گردیده، چنان کمان میروید
که ژنرال مشار الیه مسئول شلیک کردن بطرف مردم و
اتلافی نفوس بوده است

اهالی جنوب خط راه آهنی را که بشهر نریه
میروید قطع و خراب نموده اند و باین واسطه رسیدن
کمک و استعداد از طرف دولت بتعمیق افتاده

چهار هزار نفر از دهاقین بیسایه عرض حال نایب
رباست نظمیہ را ملاقات و او را دستگیر و حبس نموده اند
تمام خطوط تلگرافی و تلفون در بسیاری از نقاط
مقطوع شده

در منت پلیه نیز زد و خورد و شلیک رولور
مجدداً واقع شده سوار نظام طرفی اجماع بورسی میبرند
از دیروز تا نیمه شب در شهر محشری بر پا بود
عده کثیری از مردم مجروح و بسیاری دستگیر و
و توقیف گردیدند

از قرار فکارش روز نامه طیمس اشخاصیکه که
در لندن طرف معامله با بڈک مصر هستند چو جهد
دارند که بابانگ مزبور تعطیل را موقوف داشته و
بمعامله شروع نمایند

غانگه هیجان در برتگال دائر و چند نفری را
که در لین کشته شده بودند مامورین در تاریکی شب
مخفیانه بڈک سپردند اگر چه از مخابرات جلو گیری
میشود ولی بنا بر تلگرامات و اطلاعات خارجه معلوم
میشود هیجان اهالی بر ضد سلطنت رو بتراید و
استعداد است سلطان برتگال بحکام ولایات امر صادر
نموده که در صورت لزوم جرایم را توقیف کرده و
از نشر اخبار مضره حتی الامکان جلو گیری نمایند

مسئله نرک تریاک و عدم استعمال آن جداً در
میان است جمعی از داو طلبان همه جا مواظب هستند
چنانکه در شانگهای سردابهای مخصوصی برای شیره
کش ها و تریاکبها بسته شده ولی در بعضی نقاط دیگر
هنوز تریاک بجهت استعمال فروخته میشود

(اعلان)

ماشین که از برای کیلز سیکار باشتوک از اول کارخانه
آلمان بهترین ماشین هاست برای ساختن کیلز و ضمناً هم
فروخته میشود کاغذ برای مشتوک کیلز — آدرس تلگرافی
و کاغذ (پاسکوویچ باکو)

حسن الصمیمی الکاشانی